

قرائات متعدد قرآن کریم که همان تلفظ‌های مختلف برخی از کلمات آن کتاب الهی است، فرآورده فقدان علامت، نقطه، شناخت نوع تلفظ و گوناگونی رسم الخط در صدر اسلام است. در آن عصر، نگارش آیات تنها با اتکال بر شنیدن از راویان مطمئن و حافظان متعهد و بعضاً معصوم بود. این شیوه در نگارش کلمات وحی، موجب بروز اختلافات در تعداد بسیاری از حروف و الفاظ قرآن شد.<sup>(۱)</sup>

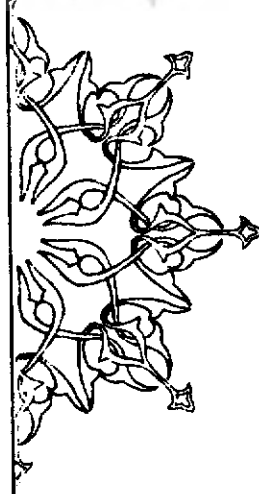
## مروری گذرا بر

## قرائت‌های

## هفت‌گانه

(۱)

عباس همامی



از میان قرائاتی که به ما رسیده است، هفت قرائت که به قرائات سبعة نامبردار و به قرآی سبعة منسوب است، شهرت بیشتری دارد. هر قرائت نیز به‌طور معمول دو راوی دارد که جمعاً چهارده روایت را تشکیل می‌دهد. نگارنده بر آن است که قرآن کریم جز به یک قرائت نازل نشده و آن قرائت نیز بر مبنای رسم الخط کنونی است؛ یعنی هر قرائتی که با این رسم الخط ناسازگار باشد، پذیرفتنی نیست. با عنایت به آیه نهم از سوره حجر (انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) آنچه هم‌اینک ما در خدمت آن هستیم، همان قرآنی است که بر سینه مبارک پیامبر (ص) نازل شده است؛ وگرنه حفظ قرآن با آن همه تأکیدهای پی‌درپی (در آیه یاد شده) معنایی نخواهد داشت.

این بدان معناست که منشأ و سرچشمه اختلافات مربوط به قرائت قرآن کریم را باید در خارج از قرآن جست و جو کرد.<sup>(۲)</sup>

به یاری حضرت حق، برآنیم که طی مقالاتی چند، روش و

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم. معرفت، محمدحادی، التمهید فی علوم القرآن. آیه الله العظمی خویی، البیان فی تفسیر القرآن. رامیار، محمود، تاریخ قرآن. و مختار عمر، احمد و سالم مکرم، عبدالعال، معجم القراءات.  
۲- ر.ک: نگارنده چهره زیبای قرآن.

راویان وی: احمد بن محمد ملقب به بزّی و محمد بن عبدالرحمن ملقب به قنبل.

۳- زبّان بن العلاء مشهور به ابو عمرو (بصری)

راویان وی: حفص بن عمر ملقب به دوری و صالح بن زیاد ملقب به سومی.

۴- عبدالله بن عامر (دمشقی)

راویان وی: هشام بن عمار و عبدالله بن احمد مشهور به ابن ذکوان.

۵- عاصم بن ابی النجود (کوفی)

راویان وی: شعبه بن عیاش مشهور به ابوبکر و حفص بن سلیمان.

۶- حمزة بن حبيب (کوفی)

راویان وی: خلف بن هشام و خلّاد بن خالد.

۷- علی بن حمزة مشهور به کسائی (کوفی)

راویان وی: لیث بن خالد مشهور به ابوالحارث و حفص ابن عمر ملقب به دوری.

پس از معرفی اجمالی قاریان و راویان یاد شده، به شرح روش کلی (منهج) هر یک و تفاوت روایت آنها با روایت حفص از عاصم می‌پردازیم. مسلم است که آشنایی بیشتر، متوقف به دانستن قواعد کلی تجویدی، به خصوص روایت حفص خواهد بود.

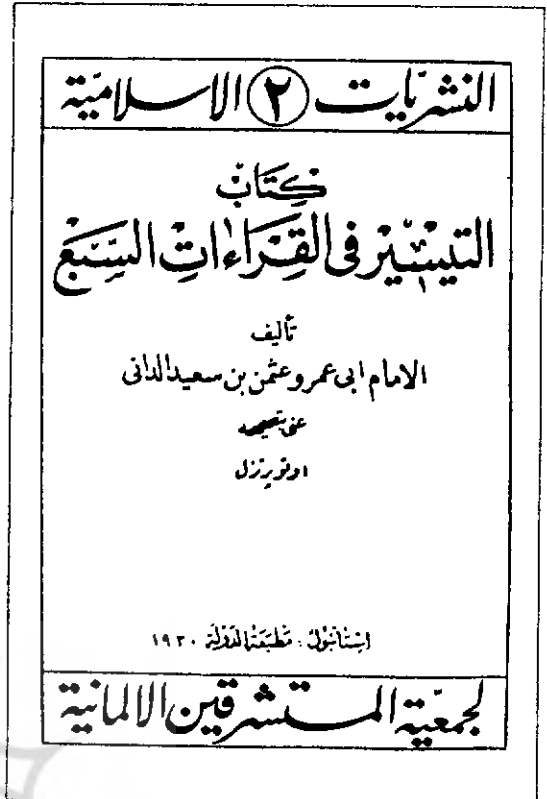
□

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: البیان، ص ۱۷۱ تا ۱۹۳. التمهید، ج ۲، ص ۸۶ تا ۱۰۸. معجم القراءات القرآنیة، ج ۱، ص ۷۳ تا ۷۶.

۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک: البیان، ص ۱۵۱ تا ۱۶۶. التمهید، ج ۲، ص ۴۲ تا ۸۴. معجم القراءات القرآنیة، ج ۱، ص ۷۶.

۳- برای مطالعه بیشتر ر.ک: البیان، صص ۸ و ۱۶۸. التمهید، ج ۲، ص ۱۱۰ تا ۱۷۰. معجم القراءات القرآنیة، ج ۱، ص ۹۸ تا ۱۱۷.

۴- از جمله این کتب می‌توان به التیسیر فی القراءات السبع (الرافی) والنشر فی القراءات العشر (ابن الجوزی) و شروع مختلف فصدّه شاطیبه و معجم القراءات القرآنیة، اشاره کرد. تفاسیری چون مجمع البیان و الکشاف نیز بخش‌هایی از خود را بدین مبحث اختصاص داده‌اند.



منهج کلی هر یک از روایات چهارده‌گانه را به اختصار و پرهیز از ذکر اختلافات موجود میان ناقلان هر راوی بررسی کنیم. بدیهی است که بحث‌هایی مانند مفهوم سبعة احرف،<sup>(۱)</sup> تواتر یا عدم تواتر قرائت سبع<sup>(۲)</sup> و ملاک‌های قبول یک قرائت،<sup>(۳)</sup> مجال و فرصتی فراخ می‌طلبند و این مختصر گنجایی آنها را ندارد. هم‌چنین بیان فرش حروف (اختلافات موردی) نیز، موضوع این بررسی کوتاه نخواهد بود؛ زیرا گذشته از دلیل فوق، این موضوع بارها از سوی محققان علوم قرآنی مورد توجه قرار گرفته و کتاب‌های مستقلی در این باره سامان یافته است.<sup>(۴)</sup>

### ● آشنایی اجمالی با قرآء سبعه

۱- نافع بن عبدالرحمن (مدنی)

راویان وی: عثمان بن سعید، ملقب به ورش و عیسی بن مینا ملقب به قالون.

۲- عبدالله بن کثیر (مکی)

## بخش اول - نافع

نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم، متولد حدود سال ۷۰ هجری در اصفهان و متوفای ۱۶۹ در مدینه است.<sup>(۱)</sup> وی قرائت را از گروهی از تابعین در مدینه فراگرفت، ریاست آموزش قرآن در مدینه به وی رسید و پس از درگذشت همه تابعین، مردم برای قرائت صحیح قرآن به وی مراجعه می‌کردند.<sup>(۲)</sup> نافع بیش از هفتاد سال در مدینه که در آن زمان مهد آموزش‌هایی قرآنی بود، به تعلیم و آموزش قرآن همت کرد و موفق به تربیت بسیاری از آگاهان علم قرائت شد.

وی را به اوصافی چون: ثقه صالح، ثقه و صدوق ستوده‌اند<sup>(۳)</sup> و از برخی پیشوایان اهل سنت (مالک بن انس و احمد بن حنبل) در ستایش قرائت او، سخنانی ثبت شده که حکایت از قدر بلند و ارزش بسیار نافع نزد آنان می‌کند.<sup>(۴)</sup> علنی‌رغم شهرت و اعتبار فراوان وی در علم قرائت، به حدیث نافع، چندان توجهی نشده و گروهی حدیث او را بی‌ارزش انگاشته‌اند.<sup>(۵)</sup>

راویان بی‌واسطه نافع، عبارت‌اند از: ورش و قالون.

## الف : ورش

عثمان بن سعید ملقب به ورش<sup>(۶)</sup> و مشهور به مصری، متولد ۱۱۰ یا ۱۱۱ هجری و متوفای ۱۹۷ می‌باشد.<sup>(۷)</sup> در مصر زاده شد و در همان سرزمین وفات کرد. پس از سفر به مدینه و اخذ قرائت از نافع،<sup>(۸)</sup> به مصر بازگشت و ریاست آموزش قرآن را در آن دیار به عهده گرفت.<sup>(۹)</sup> وی در ادبیات عرب و علم قرائت و تجوید و نیکویی تلاوت شأن به سزایی داشت.<sup>(۱۰)</sup> از القابی که برای او ذکر شده است، ثقه و حجت است.<sup>(۱۱)</sup>

## ● روش کلی (منهج) ورش

۱- به جز میان سوره‌های «الانفال» و «براءة» که همه قزای سبعة بدون بسملة خوانده‌اند، سوره دیگر را به یکی از این سه شکل خوانده است: با ذکر بسملة (بسم الله الرحمن الرحيم) میان دو سوره، وصل دو سوره به یکدیگر بدون بسملة و سکت میان دو سوره بدون بسملة.<sup>(۱۲)</sup>

۲- مدهای متصل و منفصل را به اندازه شش حرکت می‌آورد مانند: جَاءَ، يَا أَيُّهَا.<sup>(۱۳)</sup>  
 ۳- مد بدل، یعنی مواردی که همزه قطع قبل از حروف مدی واقع شده است را به یکی از سه شکل قصر (دو حرکت)، توسط (چهار حرکت) و طول (شش حرکت) می‌خواند. مانند: آمَنَ، أُوتِيَ، إِيمَانًا، الْأَخِيرَ، الْأُولَى، لِإِيْمَانٍ.

تذکر (۱): کلمه (اسرائیل) از این قاعده مستثنی است.

تذکر (۲): چنانچه همزه در میان کلمه و حرف قبل از آن

- ۱- التيسير في القراءات السبع، ص ۴. سراج القاري المبتدي، ص ۱۱. الاعلام، ج ۸، ص ۵. النشر، ج ۱، ص ۱۱۲. صاحب سراج القاري می‌نویسد: مات فيها [المدینه] سنة تسع وستين ومائة في خلافة الهادي وقبل سنة تسع وستين ومائة وقيل غير ذلك. (سراج القاري، ص ۱۱)
- ۲- النشر، ج ۱، ص ۱۱۲: كان امام دارالهدية.
- ۳- ر.ک: البيان، ص ۱۳۹.
- ۴- النشر، ج ۱، ص ۱۱۲.
- ۵- قال ابوطالب عن احمد: كان يؤخذ عنه القرآن وليس في الحديث بشيء. (البيان، ص ۱۳۹، به نقل از تهذيب التهذيب، ج ۱۰، ص ۴۰۷)
- ۶- الاعلام، ج ۵، ص ۲۰۵: عثمان بن سعيد بن عدی المصري من كبار القراء. غلب عليه لقب ورش لشدة بياضه. اصله من القيروان.
- ۷- تاريخ ۱۱۰ هجری از معجم القراءات و ۱۱۱ هجری از ديگران است: از جمله: ر.ک: النشر، ج ۱، ص ۱۱۳.
- ۸- سراج القاري، ص ۱۱ و ديگران: رحل الي نافع فقرأ عليه بالمدینه.
- ۹- معجم القراءات، ج ۱، ص ۸۸، به نقل از لطائف الاشارات: «ورجع الي مصر فانفرد برياسة الاقراء».
- ۱۰- النشر، ج ۱، ص ۱۱۳: «مع براعته في العربية، معرفته بالتجويد وكان حسن الصوت».
- ۱۱- ر.ک: البيان، ص ۱۴۰.
- ۱۲- النشر، ج ۱، ص ۲۵۹. التيسير، ص ۱۸ و ۱۹. لازم به ذکر است که در تسميه (گفتن بسم الله الرحمن الرحيم) در اول سوره فاتحه و نیز هر سوره‌ای که تلاوت با آن آغاز می‌شود، به جز سوره براءت (توبه) اختلافی وجود ندارد. هم چنین نگفتن بسملة میان سوره انفال و براءت، اجماعی است. و نیز بنا بر اجماع منقول در النشر، اختلافی در نگفتن بسملة در ابتدای سوره توبه (براءت) حتی اگر تلاوت با این سوره آغاز شود، وجود ندارد.
- ناگفته نماند که منظور از «قطع» که در روش برخی راویان دیگر گفته خواهد شد، وقف بر آخر سوره اول و آغاز سوره بعدی با بسملة است.
- ۱۳- التيسير، ص ۳۰. النشر، ج ۱، ص ۳۱۳ تا ۳۱۷. سراج القاري المبتدي، ص ۶۷ تا ۷۷.

# النَّشْرُ فِي الْقِرَاءَةِ الْعَشْرَةِ

تألیف

الحافظ أبي الخير محمد بن محمد الدمشقي  
الشهير بابن الجزري، المتوفى سنة ٨٢٣

أشرف على تصحيحه ومراجعته للمرة الأخيرة  
حضرة صاحب الفضيلة الأستاذ الجليل

على محمد الضياع

شيخ عموم المغاربي: بالديار المصرية

ساکن غیر مدّی باشد، حرف مدّی پس از آن تنها به قصر خوانده می‌شود مانند: الْقُرْآنِ، مَشْتَوِلًا. (۱)

۴- «م» جمع را چنانچه قبل از همزه قطع باشد، ضمه داده و اوای بدان اضافه می‌کند؛ مانند مَعَكُمْ أَيْنَمَا - مَعَكُمْ أَيْنَمَا. (۲)

۵- همزه اول کلمه و پس از ساکن - به شرطی که ساکن حرف مدّی ولینی باشد - نقل حرکت می‌شود؛ مانند عَذَابٌ أَلِيمٌ، مِنْ إِسْتَبْرَقِي.

نیز همزه کلماتی چون الْأَوَّلُ و الْأَخْرَجُ که پس از ال تعریف قرار گرفته است، نقل حرکت می‌شود.

تذکر: نقل حرکت، یعنی دادن حرکت همزه به حرف ساکن قبل از آن و عدم تلفظ خود آن. (۳)

۶- همزه ساکن یا متحرک که فاء الفعل و حرف دوم کلمه باشد - به شرطی که نقل حرکت نشود و قبل از حرف مدّی نیز نباشد - تسهیل می‌شود مانند: يَا أَخِي، يُؤْمِنُ، الَّذِي أُؤْتَمِنُ، الْمُؤْمِنُونَ، لَا تُؤَاخِذْنَا، يُؤَدُّهُ، مُؤَجَّلًا.

تذکر (۱): از این قاعده همزه‌های ساکن کلمات (المأوى)، (تؤويه) و سایر مشتقات این ریشه استثناء شده‌اند.

تذکر (۲): کلماتی که همزه متحرک آنها بر روی الف نگاشته می‌شود، نیز مستثنی هستند؛ مانند: وَمَا تَأَخَّرَ، فَأَذَّنَ. (۴)

۷- (ل) مفتوح را چنانچه پس از یکی از سه حرف (ص، ط، ظ) قرار گیرد، تغلیظ می‌کند، به شرطی که حروف یاد شده مفتوح یا ساکن باشند مانند: الصَّلَاةُ، يَصَلُّونَهَا، بَطَلٌ، مَطْلَعٌ، ظَلَمٌ، يُظَلِّمُونَ.

تذکر: چنانچه (ل) حرف آخر کلمه باشد (مانند: ظَلٌّ) و بر این کلمه وقف گردد و یا اینکه (ل) پس از (ص) و در کلماتی چون (صَلَّى) و در آخر آیه باشد، هر دو وجه تغلیظ و ترقیق جایز است. (۵)

۸- حرف (د) در کلمه (قَدْ) رادر (ض) و (ظ) ادغام می‌کند مانند: فَقَدْ ضَلَّ، لَقَدْ ظَلَمَكَ. (۶)

۹- (ت) تانیث متصل به فعل رادر (ظ) ادغام می‌کند مانند:

كَانَتْ ظَالِمَةً.

- ۱۰- (ث) رادر (ذ) و (ب) رادر (م) ادغام نمی‌کند: يَلْهَثُ ذَلِكَ، يُعَذِّبُ مَنْ، اَزْكَبَ مَعَنَا. (۷)
- ۱۱- (ذ) در کلماتی چون (أَحَذُّنُمْ) و (اتَّخَذْتُمْ) رادر (ت) ادغام می‌کند. (۸)

- ۱- همان.  
۲- همان.  
۳- همان.  
۴- همان.  
۵- همان.  
۶- همان.  
۷- همان.  
۸- همان.